

مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز
دوره بیست و دوم، شماره اول، بهار ۱۳۸۴ (پیاپی ۴۲)
(ویژه‌نامه زبان و ادبیات فارسی)

جایگاه عدد سه در فرهنگ و آیین‌های باستانی ایرانیان

دکتر خیراله محمودی*
مرکز آموزش عالی کازرون

چکیده

کاربرد عددها در باورهای مردم، جایگاه خاصی دارد؛ به گونه‌ای که بعضی از آن‌ها را، مقدس و برخی را شوم می‌پندارند.

عدد سه یکی از عددهایی است که در اعتقاد مردم مقدس بوده و در آیین‌ها به آن توجه خاصی شده است؛ اما اندیشه‌وران درباره اعتقادات مربوط به این عدد سخنی نگفته‌اند.

در این مقاله که با عنوان «جایگاه عدد سه در فرهنگ و آیین‌های باستانی ایرانیان» تهیه گردیده است نگارنده درباره ارزش عدد سه در فرهنگ و آیین مردم ایران زمین تحقیق کرده و سعی کرده است که شواهد معتبر از منابع مهم فرهنگی ایرانیان را برای اثبات تقدس این عدد ذکر کند.

واژه‌های کلیدی: ۱. عدد سه ۲. فرهنگ و آیین‌های باستانی ۳. عددهای مقدس.

۱. مقدمه

فرهنگ و باورهای هر ملتی سرشار از شگفتی‌ها و زیبایی‌هایی است که با کند و کاو می‌توان به عجایب آن‌ها پی برد. این اعتقادات همراه با زندگی انسان به وجود آمده و رشد کرده است، و با گذشت زمان آب و رنگ گرفته و از نسلی به نسل دیگر منتقل شده است؛ به طوری که گاه این باورها هویت ملتی را تشکیل می‌دهد. فرهنگ قوم ایرانی مجموعه باورها و سنت‌های مردمی است که از دیرباز آن را خلق کرده و در طول اعصار زنده و پا بر جا گذاشته‌اند.

آداب و رسوم ملت ایران، دارای ارزش‌ها و نوآوری‌هایی است که، با جستجو در آن می‌توان به عظمت آن پی برد، با این بینش، مقاله حاضر که درباره اعتقاد مردم ایران نسبت به عددها می‌باشد، تهیه شده است.

۲. پیشینه تحقیق

عدد، مقوله‌ای است که انسان با آن در طول دوران زندگی خود سرو کار داشته و از آن به عنوان وسیله‌ای برای برآورده کردن نیازها و ادامه زندگی استفاده کرده است، این عددها از زمانی که انسان، اشیای اطراف خود را شناخته است خلق شده‌اند، نیکوماخس و فیلولانس از شاگردان فیثاغورث اعتقاد دارند که «هر چیز که بتوان آن را شناخت عدد دارد، زیرا ممکن نیست بدون عدد چیزی را درک کرد و شناخت» (نشاط، ۲۵۹: ۱۳۶۸). عده‌ای بر این باورند که «عدد نماینده ساختمان بنیادی نظام کیهانی است. در یکی از متون فیثاغورثی آمده است که عدد راهنما و مرشد فکر انسانی است. اگر این قدرت وجود نداشت، کاینات تیره و مبهم باقی می‌ماندند. و ما در این جهان حقایق، زندگی

نمی‌کردیم و در عالم نومییدی و توهم به سر می‌بردیم. در عرصه عددها و فقط در عرصه عددها است که ما می‌توانیم معنی جهان را درک کنیم» (ارنست کاسیرر، ۲۹۹: ۱۳۶۰).

انسان با گذشت زمان به مفاهیم و کاربرد اعداد، اعتقادات خاصی پیدا کرده، به گونه‌ای که برخی را شوم و بعضی را مقدس دانسته است.

توجه به عددها در آیین‌ها و زبان‌ها و یا عدم توجه به آن‌ها نشانه تقدس یا تنفر است؛ اما در نزد ملل و فرهنگ‌ها و دوره‌های مختلف، این باورها متفاوت است. برای نمونه، عددهای فرد در اساطیر چین، به سعد و فرخندگی یاد شده است، و آن‌ها را نشانه سفیدی و روز و درخشندگی و آتش می‌دانستند و در نزد فیثاغورثیان این عددها غیر قابل حل و مذکر بوده‌اند و ماهیتی آسمانی داشته‌اند، اما عددهای زوج برای مردم چین نحس و نامبارک و نشانه تاریکی و شب و سرما و ماده و آب و زمینی‌اند و در نزد فیثاغورثیان این گونه عددها گذرا و مؤنث و خاکی بوده است (همان، ۲۶۰).

در اعتقاد بابلی‌ها روزهای ۳ و ۱۶ لقب مشترکی داشتند که، معنی تعطیلی و استراحت می‌دادند و روزهای ۷ و ۱۴ و ۱۹ و ۲۸ برای آن‌ها، نحس بوده و برای انجام بعضی کارها مناسب نبوده است (افشار، ۸۹: ۱۳۵۷).

۶، ۷ و ۴۰ عددهای نحس عربی بودند و ایرانی‌ها و بابلی‌ها شصت و مضارب شصت را با ارزش می‌دانستند و انجام کارها را در این روزها ترجیح می‌دادند (نشاط، ۹-۲۵۸: ۱۳۶۸).

درباره همسان و هماهنگ نبودن این گونه اعتقادات نسبت به عددها پوانکاره می‌گوید «در حالی که ۳، ۷، ۱۰، ۱۴ و ۶۰ مورد نظر خاص بوده‌اند؛ در عمل می‌بینیم هر یک از عددها در جاهای مختلف و در دوره‌های متفاوت مفهوم مقدس و مرموزی داشته‌اند، برای نمونه بابلی‌ها به هر یک از خدایان خود عددی کمتر از ۶۰ وابسته می‌کردند و این عدد مرتبه آن خداوند را در سلسله مراتب آسمانی نشان می‌داد، فیثاغورثیان مانند بابلی‌ها عدد را می‌پرستیدند، آن‌ها برای این که با فراموش کردن عددی آن را نرنجانند به اغلب عددهای کمتر از ۵۰ منزلی الهی نسبت داده‌اند» (نشاط، ۲۵۹: ۱۳۶۸).

عدد سیزده در فرهنگ ایرانی و برخی ملل دیگر نحس می‌باشد و تنفر آن‌ها نسبت به این عدد تا آن حد است که شماره منزل خود را به صورت (۱+۱۲) می‌نویسند، در حالی که این عدد در بعضی دوران‌ها به صورت مقدس و مبارک به کار رفته است، چنان‌که شاعری گفته است:

امروز که روز سیزده از صفر است بسیار مبارک از برای بشر است
هر گاه کسی گفت که نحس است این روز حرفی است دروغ و صحبتی بی‌اثر است

(همان: ۲۶۵)

درباره این عدد در منابع فرهنگ باستانی آمده است که:

۱. عده‌ای روز سیزده فروردین را برخلاف تصور مردم، روز مبارکی می‌دانستند؛ زیرا در این روز دو فرزند کیومرث یعنی مشی و مشیانه با هم پیمان ازدواج بستند و ازدواج آن‌ها، با گره زدن دو شاخه مورد انجام شد (رضایی، ۴۸۹: ۱۳۶۸).

۲. در سیزده فروردین جمشید شاه به صحرا می‌آمد و خرگاه برپا می‌کرد و بارعام می‌داد و چندین سال متوالی این کار را انجام داد که، در ایران به صورت سنت در آمد (همان: ۴۹۰).

۳. بنابر اساطیر ایرانی، عمر جهان هستی ۱۲ هزار سال است که، پس از پایان این مدت، با ظهور سوشیانت، پیروزی اورمزد و ریشه کن شدن اهریمن مسلم می‌شود، شاید نخستین دوازده روز جشن در اول فروردین نشانه زایش‌هاست و روز سیزدهم، تمثیلی از هزاره سیزدهم و آغاز رهایی از جهان مادی است (یاحقی، ۲۶۵: ۱۳۷۵).^۱

درباره بعضی از عددهای مقدس مطالبی به صورت کتاب و یا مقاله منتشر گردیده است برای نمونه، درباره عدد هفت تحقیقات گسترده‌ای انجام شده است از جمله:

۱. هفت در قلمرو تمدن و فرهنگ بشری تألیف زهره والی، انتشارات اساطیر، چاپ اول، ۱۳۷۹.
 ۲. هفت در قلمرو فرهنگ جهان تألیف مؤید شریف محلاتی، سال ۱۳۳۷.
 ۳. هفت رمز فروهر، تحقیق و نوشته دکتر رحیم چاووشی اکبری، ۱۳۶۷.
 ۴. تحلیل هفت‌پیکر نظامی، دکتر محمد معین، ۱۳۳۸.
- درباره عدد دوازده مقاله « رمز و راز رقم ۱۲ » دانستنی‌ها، دوره هفدهم، شماره ۷ (فروردین ۱۳۷۵).
- اما درباره عدد سه تاکنون تحقیق جامعی انجام نشده است.
- این نوشته درباره جایگاه عدد سه در آداب و رسوم و مذاهب ایران و شاهنامه فردوسی می‌باشد که در فرهنگ گذشته عددی مقدس به شمار می‌رفته و در فرهنگ ایرانیان باستان جایگاه خاصی داشته، اما کمتر مورد توجه صاحب‌نظران قرار گرفته است، این عدد نه تنها در ایران؛ بلکه در فرهنگ‌ها و مذاهب دیگر نیز مورد توجه بوده است؛ از جمله:
۱. درباره ساختمان قربانگاه آتش ودایی آمده است که، در این قربانگاه سه آتش وجود دارد ۱. آتش کانون خانواده به نام « گار هپتیه »، ۲. آتش قربانی که در مراسم خاک‌سپاری اجساد مردگان برای اهدای اغذیه به طرف جنوب روشن می‌کنند که « انواها ریه پچن » خوانده می‌شود؛ این آتش را « دکش آگنی » یا آتش جنوبی نیز می‌نامند؛ ۳. آتشی که به طرف شرق برمی‌افروزند و آن را آتش خاوری می‌گویند (بوکره‌ارت، ۵۰: ۱۳۶۹).
 ۲. درباره‌های آفریقایان، یک آشانتی Ashanti، الهه ماه عبارت از سه نفر یعنی دو نفر سیاه و یک نفر سفید است (بهزادی، ۲۷: ۱۳۷۹).
 ۳. ژاپنی‌ها به گنجینه‌های سه گانه آینه، شمشیر و گوهر یا حقیقت، شجاعت و ترحم اعتقاد دارند (همان، ۲۸).
 ۴. در نزد اعراب پیش از اسلام، منات Manat یک الهه سه گانه است که سه باکره مقدس یعنی لات، العزی، و المناه را به صورت سنگ‌ها یا ستون‌های یادمانی بدون شکل یا ستون‌هایی که کبوترانی بر فراز آن‌ها بودند نشان می‌دادند (همان).
 ۵. در نزد اهل فلسفه ثلاثیات (اصطلاح فلسفی) اخوان الصفا اموری که در جهان زنجیروار منطبق با عدد سه است برشمرده‌اند مانند ابعاد ثلاثه که طول، عرض و عمق است. مقادیر ثلاثه یعنی خط، سطح و جسم، زمان ثلاثه مانند ماضی، حاضر و مستقبل. عناصر ثلاثه، ممکن، ممتنع و واجب، علوم ثلاثه، ریاضیات، طبیعیات، هیأت (سجادی، ۶۱۶: ۱۳۷۹).
 ۶. در نزد کیمیاگران، سه تایی‌ها عبارتند از: گوگرد، سیماب و نمک که روان و روح و جسم را نشان می‌دهد (همان).
 ۷. درباره معبد مسیحی در انجیل آمده است از سخنان انجیل « عیسی پاسخ داد این خانه را ویران کنید و من آن را در سه روز بر پا خواهم کرد؛ یهودیان گفتند: ساختن این معبد چهل و شش سال به درازا کشیده است؛ تو چگونه آن را در سه روز بنا می‌توانی کرد؟ اما معبدی که عیسی از آن سخن می‌گفت تنش بود » (بوکره‌ارت، ۶۶: ۱۳۶۹).
 ۸. درباره سرپرستی حضرت زکریا از حضرت مریم آمده است که « چون مریم را به زکریا سپردند او را در خانه برد و در خانه را قفل زد و برفت... حق تعالی مریم را بر او فراموش کرد، تا سه روز گذشت، یادش آمد رو به خانه نهاد... » (اردلان جوان، ۲۲۴: ۱۳۶۷).
 ۹. اعتقاد مسیحیان به ابن، اب و روح القدس.
 ۱۰. روزه حضرت مریم و زکریا سه روز طول کشید.
 ۱۱. سه هدیه مجوسان برای عیسی به عنوان خدا، شاه، قربانی وجود داشته است (بهزادی، ۲۸: ۱۳۷۹).
 ۱۲. در آیین بودا تری راتنا Tri-ratna سه گوهر گران‌بها یعنی بودا، دهارما، سانگ‌ها بود (همان).

عدد سه در متون کهن ایران به صورت « سه دیگر، سوم، سیم و سوم » دیده می‌شود و بدون تشدید نیز به کار رفته است این عدد مثل عدد هفت جزء عددهای فرد است یعنی جز بر خودش و صفر و یک بر هیچ عددی بخش‌پذیر نیست.

بعضی از ایرانیان دوره اسلامی، با پنداری نادرست عدد سه را در گروه عددهای نحس به شمار آورده‌اند، ابونصر فراهی عددهای نحس را چنین برمی‌شمارد:

هفت روز نحس باشد در مهی
زان حذر کن تا نیابی هیچ رنج
سه و پنج و سیزده با شانزده
بیست و یک با بیست و چهار و بیست و پنج

(رضایی، ۴۹۰: ۱۳۶۸)

در بیشتر موارد، این عدد، نزد ایرانیان، نشانه صلاح و کمال و جمع بوده است به همین دلیل در فارسی باستان اسم از نظر شمارش به صورت مفرد، مثنی و جمع به کار رفته است و جمع یعنی بر سه نفر دلالت کند.

مولوی درباره این عدد می‌گوید

ای ضیاءالحق حسام‌الدین بیار
این سوم دفتر که سنت شد سه بار

(زمانی، ۲۱: ۱۳۷۹)

این بیت اشاره به حدیثی از پیامبر(ص) دارد که:

« کان اذا تکلم بکلمة اعادها ثلاثاً حتى تفهم عنه و اذا اتى على قوم فسلم عليهم ثلاثاً و کان اذا دعا، دعا ثلاثاً و اذا سأل، سأل ثلاثاً (همان: ۲۳).

در این مقاله نشان داده شده است که این عدد نه تنها نحس نیست بلکه با توجهی که مردم در کاربرد آن در موارد مختلف از جمله آداب و رسوم و مذاهب و مثل‌ها به کار داشته‌اند، بیانگر ارزش نیک و بد بودن آن است:

۳. عدد سه در آداب و رسوم ایرانیان

۱. درباره گیاه هوم^۲ و مناسک آن آمده است که:

ایرانیان باستان هوم را در چهار نوبت می‌ساییدند که نمادی از آمدن زرتشت و سه پسر منجی اوست و آب تقدیس شده را در سه نوبت روی آن می‌ریختند که نمادی از سه مرحله ایجاد باران است، یعنی، تبخیر و تشکیل ابر و درهم فشردگی آن به صورت باران و در طول این مناسک سه بار بر هاون می‌کوبیدند که، نمادی برای حضور اندیشه و گفتار و کردار نیک بوده است (هینلز، ۱۸۲: ۱۳۷۵).

۲. در مناسک آتش زرتشتیان، سه گروه آتش وجود دارد؛ آتش بهرام، آتش آذوران و آتش دادگاه (همان: ۱۷۹).

۳. در دین زرتشتیان کمر بند کشتی یا کستی را سه بار به دور کمر می‌بندند به نشانه سه باور بنیادی دین مزدا پرستی: اندیشه نیک، گفتار نیک و کردار نیک (دولتخواه، ۱۰۳۳: ۱۳۷۹).

۴. در مراسم جشن سده بسته‌ای خار و هیزم فراهم می‌سازند و هنگام شب موبدان لاله به دست سه بار دور کوه خار و هیزم می‌گردند و دعا و نیایش می‌خوانند (رضایی، ۴۷۸: ۱۳۶۸).

۵. در زمان ساسانیان روز چهارشنبه‌سوری آتش را به سه کوبه تقسیم می‌کردند و دور آن‌ها را با نام سه فرشته، آسمان، آذر و آبان که فرشتگان مقرب بودند می‌گشتند و می‌پریدند و بعد آتش را به هفت قسمت تقسیم می‌کردند (همان: ۴۷۹). و در روایتی دیگر آمده است که تعداد آتش‌ها در روز چهارشنبه‌سوری باید به شماره هفت امشاسپندان مقدس و یا به شمار سه نماینده مقدس گفتار و اندیشه و کردار نیک باشد^۳ (باحقی، ۱۷۱: ۱۳۷۵).

۶. در دوران گذشته مراسم عروسی در سه شبانه روز یا هفت شبانه روز برگزار می‌کردند و هنوز در بین ایل‌نشینان این سنت برقرار است.

۷. طاهر کردن اشیاء و وسایل با سه بار آب کشیدن و سه بار صلوات فرستادن انجام می‌شود.
۸. جشن نوروز در اصفهان بیشتر وقت‌ها، از سه تا هفت شبانه روز ادامه می‌یافت (نصرالله فلسفی، ۳۱۸/۲: ۱۳۵۳).
۹. در سرزمین گیل و دیلم وقتی که عروس به خانه داماد می‌آید سه یا هفت دفعه دور چاه آب حیاط خانه داماد می‌گردد و سکه‌ای در چاه می‌اندازد، گشتن به دور چاه آب را به فال نیک می‌گیرند و در موقع تمیز کردن چاه آن سکه نصیب هر کس شد به عنوان (ته کیسه) در جیب کوچک لباس خود پنهان می‌کند، آن‌ها، معتقدند که داشتن (ته کیسه) شگون دارد (عناصری، ۴۳۰: ۱۳۶۱).
۱۰. درباره قربانی گاو آمده است که در زمان جمشید در مراسم جشن‌ها گاو را قربانی می‌کردند و از واژه «آیین مقدس» که در سیاحت نامه فیثاغورث به کار رفته چنین برمی‌آید که آیین آیین جنبه مذهبی داشته است با این مضمون «... تا سه روز برای دیدن آیین مقدس میترا مهیا باش این جشن ترا خرسند خواهد داشت...» (برومند سعید، ۶۷۲: ۱۳۶۷).

۴. در فرهنگ و مذاهب باستانی ایران

۱. در نزد ایرانیان باستان اسم از نظر جنس به سه دسته تقسیم می‌شد مذکر، مؤنث و خنثی.
۲. در متون کهن ایرانی درباره جم آمده است که:
- «چون او را سخن دروغ خوش آمد فرهادش در سه نوبت به شکل مرغی به پرواز در آمد و از پیش او گریخت، نخستین بار مهر آن را بر گرفت، بار دوم فریدون و بار سوم گرشاسپ». علت سه بار گریختن فره را بعضی از دانشمندان اعتقاد دارند که نمونه‌ای از ساخت سه گانه جامعه‌ای است که جم بر آن فرمان‌روایی می‌کرد، یعنی. روحانیان، جنگ‌جویان و صنعت‌گران (هینلز، ۷-۵۶: ۱۳۷۵).
۳. در کیش مهرپرستی آمده است که مهر به سبب توجه به راستی به داوری روان پس از مرگ می‌پردازد و گرز خود را هر روز سه بار بر بالای دوزخ می‌گرداند تا دیوان به گناه‌کاران عقوبتی بیش از آن چه سزاوار آنند تحمیل نکنند (همان، ۱۲۱).
۴. مهمترین و بزرگترین آتشکده‌های دوره ساسانی سه آتشکده بوده است آذرگشسب، آذر فرنبغ و آذر برزین مهر (یاحقی، ۷-۳۵: ۱۳۷۵).
۵. ایرانیان قدیم دنیا را به سه بخش تقسیم می‌کردند و نشانه این تقسیم در شاهنامه نمایان است که فریدون سرزمین ایران را به سه قسمت بین ایرج، سلم و تور تقسیم کرد.
۶. در دوران هخامنشیان یعنی از دوره اردشیر دوم به بعد مردم به سه ایزد اعتقاد داشتند این سه ایزد به صورت یک مثلث قرار می‌گرفت که در رأس آن اهورامزدا و در دو ضلع آن خدایان میترا و آناهیتا قرار داشتند (گیرشمن، ۱۴۸: ۱۳۷۰).
۷. در نگاره فروهر دو بال افراشته (در حال پرواز) وجود دارد که هر بال آن پره‌ای سه طبقه دارد و تمثیلی از پرواز فروهر انسان با بال‌های اندیشه، گفتار و کردار نیک به سوی موطن ازل و ابدی است (چاوش اکبری، ۱۳۷۶).
۸. آر. سی. زنر در کتاب زروان یا معمای زرتشتی‌گری می‌گوید: قطعه‌ای شگفت‌انگیز در روایات فارسی هست که زروان آن را به عنوان خدایی با هفت چهره معرفی می‌کند و می‌گوید: هر چهره را سه چشم باشد، ظاهراً برای هر یک از این هفت چهره نامی و اسمی وجود دارد. هر یک از آن هفت سر این خدای هیولایی شکل سه چشم دارد. پس هر سه باید نشانگر جنبه‌های متفاوت از این خدا باشد و آن سه چشم سه عملکرد هر جنبه را می‌نمایاند. جالب توجه است که در ماهیت هفتگانه زروان هر کدام از سه قسمت تشکیل شده است:

۱. وجود هستی = فضا، خرد، نیرو.
۲. پیدایش = اشوکار، فرشوکار، زروکار
۳. دادستان = مهر، دادستان، تقدیر (مهر، سروش، رشن).
۴. زمان بی کرانه = زمان کرانه‌مند، بخت رفتاری، مینوی سال.
۵. بخت (تقدیر) = بخت، لحظه سرنوشت‌ساز، حکم قطعی.
۶. خوبی و بدی = عزیز دارنده، رقیب، کسی که دارای دو فرمان باشد.
۷. نظم اجتماعی = موبدی، ارتشتاری، کشاورزی^۴ (آر. سی. زتر، ۱۳۷۵: ۳۵).

۵. توجه به عدد سه در مذهب زرتشت

۱. در دین زرتشت درباره سه فرزند زرتشت آمده است که:

« پیش از آن که زرتشت جفتی بیابد ایزدان فره زرتشت را از دریای کیانسه برای نگاه‌داری به آبان فره که ایزد ناهید است سپردند اکنون سه چراغ در این دریا به شب می‌درخشد (بهار، ۱۳۶۲: ۱۵۰).
۲. اختر شماران درباره اختران اعتقاد دارند که هر اختر سه تن دارد چنان‌که تیشتر (تیر) دارای سه تن است، مردتن، اسب‌تن و گاوتن (رضایی، ۱۳۶۸: ۸۹).
۳. درباره پیدایش دریاها در اوستا آمده است که:

تیشتر مدت ده شبانه روز باران آورد و به وسیله خرفستران (حیوانات موزی) زهر در آن ریخته شد و آبها شور گردید، پس باد آن آب را سه روز به سوی زمین باز نشاند و سه دریای بزرگ و سی دریای کوچک به وجود آمد (بهار، ۱۳۶۲: ۷۵).
۴. در اوستا آمده است که جنگ بین تیشتر (تیر) با دیو خشکی سه شبانه روز به طول انجامید (همان: ۱۱۱).
۵. در اوستا آمده است که چون آفریدگان پدید آمدند برای نگهبانی آنها سروش (سردار جهان) خوش نخفته است هر شب مردم را سه بار در تمام شب بر ضد دیوان راهنمایی می‌کند (همان: ۴۷).
۶. در واپسین دوره چهارم جهان زرتشتیان منتظر سه موعود آینده هستند به نام‌های هوشیدر، هوشیدر ماه و سوشیانت (همان: ۱۶۲).
۷. کیش زرتشتیان بر سه اصل می‌باشد هومت (اندیشه نیک *hūmata*)، هوخت (گفتار نیک *hūxta*)، هورشت کردار نیک (*hūvaršta*) (رضایی، ۱۳۶۸: ۱۴۹).
۸. در اوستا آمده است که:

جمشید زمین را سه بار با عصای خود که به صورت « اشترا » بوده است فرا بخشید (دولتخواه، ۱۳۷۵: ۶۶۷-۹).
۹. در پذیرفتن دین زرتشت به وسیله گشتاسب آمده است که:

گشتاسب پس از قبول دین درخواست که جایگاه خود را در بهشت بداند، آنگاه سه فرشته بزرگ در دربار شاه ظاهر شدند (هینلز، ۱۳۷۵: ۱۴۵).
۱۰. روان انسان پس از مرگ سه شب در گور می‌ماند و روز چهارم می‌رود تا درباره اعمالش داوری شود (همان: ۷-۹۶).
۱۱. در اوستا آمده است که زرتشت از اهورامزاد می‌پرسد که خانه‌ای که پدر یا مادر خانواده در آن مرده باشد، چگونه پاک می‌شود؟

اهورامزدا پاسخ داد که با سه بار شستن تن و سه بار شستن جامه و سه بار خواندن گاهان پاک می‌شود (دولتخواه، ۱۳۷۵: ۷۹۵).

۱۲. در اوستا آمده است که زرتشت از اهورامزدا می‌پرسد: چون تابستان سپری می‌شود و زمستان فرا رسد مزدپرستان چه باید بکنند. اهورامزدا پاسخ می‌دهد:

در هر خانه‌ای و هر کویبی باید سه « کده » برای نگهداری مردگان سازند (همان: ۷۰۵).

۱۳. در اوستا آمده است « کسانی که به سگ یا پرنده مردار خوار نزدیک شوند برای پاک شدن باید سه گودال در زمین بکنند و ناپاک بر سر آن گودال‌ها تن خویش را با گمیز (شاش گاو) بشوید و بعد سه گودال دیگر در زمین بکنند و ناپاک بر سر آن‌ها تن خویش را با آب بشوید بعد بر تارک سر او آب بریزند که نخست پا و دستهایش را سه بار با آب بشویند بعد بر تارک او آب بریزند (همان: ۷۵۴).

۱۴. زرتشت از اهورامزدا درباره زنی که کودک مرده بزاید می‌پرسد چه باید بکنند.

اهورامزدا می‌گوید: باید سه شب با گوشت و نان و شراب زندگی کند و از نوشیدن آب بپرهیزد (همان: ۷۱۵).

۱۵. درباره نیایش در اوستا آمده است که:

ای اهورامزدا من سه بار نماز می‌گزارم (مقصود از سه بار، اندیشه، گفتار و پندار نیک می‌باشد) (همان: ۵۸۹).

۱۶. زرتشت از اهورامزدا می‌پرسد جامه‌ای که با مردار سگ یا مردار آدمی برخورد داشته باشد چگونه پاک می‌شود.

اهورامزدا پاسخ می‌دهد که اگر آن جامه چرمی باشد آن را سه بار با گمیز (شاش گاو) بشویند، سه بار خاک مال کنند، سه بار با آب بشویند و سپس تا سه ماه در هوای آزاد و در کنار پنجره بگذارند (همان، ۲-۷۳۱).

۱۷. به اعتقاد زرتشتیان جهان از سه عنصر آب، آتش و خاک تشکیل شده است (گیرشمن، ۱۵۵: ۱۳۷۰) و به همین دلیل مردگان را نمی‌توان سوزاند و در آب غرق کرد و در خاک دفن کرد.

۶. جایگاه عدد سه در مذهب صابئین (پیروان حضرت یحیی)^۵

مذهب صابئین یکی از مذاهب ایران باستان می‌باشد که هنوز پیروان آن‌ها در جنوب کشورهای ایران، عراق زندگی می‌کنند، در این مذهب در مراسم و آئین‌ها به عدد سه توجه زیادی شده است.

۱. در مذهب صابئین هر فرد مندایی باید سه روز در سه بار صبح، ظهر و عصر رشامه^۶ انجام دهد (رضایی، ۴۵۱:

۱۳۶۸).

۲. برای وضو گرفتن ابتدا انگشت دست راست را در آب فرو برده سه بار از راست به چپ به روی پیشانی می‌کشند، بعد نوک انگشت اشاره دو دست را همزمان در آب فرو می‌برند و به نزدیک گوش‌ها می‌آورند و سه بار این عمل را انجام می‌دهند، سپس با کف دست راست مقداری آب بالا برده و سه بار آن را می‌پویند، بعد با دست راست مقداری آب برمی‌دارند و سه بار در دهان می‌کنند، و بعد با انگشتان دو دست خود زانوهای را سه بار مسح می‌کنند و سه بار ساق را با آب مسح می‌کنند (همان).

۳. در مذهب صابئین برای تربیت روحانی، شاگرد باید کتاب انبیا که سرود مذهبی است به مدت دو ماه روزی سه

بار بخواند (همان: ۴۵۵).

۷. عدد سه در آیین مانویان

۱. در آیین مانویان آمده است که پادشاه ظلمت چون نور را مشاهده کرد با همه قدرت خود بر آن حمله برد. پدر عظمت برای دفاع از کشور خود نخستین مخلوق را بیافرید « مادر حیات » که گاهی رام رانوخ می‌نامند و او همان انسان نخستین است که گاهی اوهرمزد نیز می‌خوانند از خود ساطع کرد، پدر عظمت و مادر حیات و انسان نخستین را تثلیث اول می‌گویند (پدر، مادر، فرزند) و انسان نخستین در جنگ با ظلمت هفت بار پدر را به یاری طلبید، پدر برای

نجات او به آفرینش دیگر دست زد دوست روشنایی یا نرسیف ظاهر شد و اوبان اعظم (معمار یا سازنده بزرگ) را پدید آورد و به نوبت، روح خود یا روح الحیات را از خود متجلی ساخت و این تثلیث دوم می‌گویند و این که اعتقاد به خدایان هفت‌گانه دارند، مرکب از دو تثلیث و یک خدای واحد است (کریستن‌سن، ۲۶۹-۲۶۶: ۱۳۷۷).

۲. حکمت عملی مانوی بر قواعدی استوار است؛ قاعده هفت مهر که چهار مهر مربوط به امور معنوی و اعتقادی است و سه مهر متعلق به عمل و کردار است. ۱. مهر دهان (احتراز از ادای سخنان کفر آمیز و ناپاک) ۲. مهر دست (اجتناب از عمل که برای انوار زیان آور است) ۳. مهر دل (پرهیز از شهوات و آرزوهای پلید) (همان، ۲۷۸).

۸. عدد سه در مذهب مزدکیان

مذهب مزدکیان یکی از مذاهب باستانی ایرانیان است که در اعتقادات آن‌ها به عدد سه اهمیت خاصی داده شده است:

مزدکیان دنیا را دارای سه عنصر می‌دانند، آب، آتش، خاک که از آمیزش این سه عنصر تشکیلات خیر و شر پدید می‌آید (رضایی، ۳۱۷: ۱۳۶۸).

۹. عدد سه در ترکیبات و کنایات

۱. سه اقنوم: در نزد نصارا عبارت از ظهورات باری تعالی است که عبارت است از اقنوم وجود، اقنوم علم و اقنوم حیات که نه عین ذاتند و نه زائد بر ذات (دهخدا، ۱۳۸۵۲/۹: ۱۳۷۷).

۲. سه پور، موالید ثلاث، سه شاخ، سه حامل: عبارت از حیوان، نبات و معدن است (همان).

۳. سه خال باز: کنایه از مکار و محیل است (همان).

۴. سه طلاق گفتن: برای همیشه ترک آن کار کردن (همان، ۱۳۸۵۴).

۵. سه مرتبه: عبارت از دوران طفلی، جوانی و پیری است (همان).

۶. سه اسبیه: کنایه از تعجیل و شتاب کردن است (همان).

۷. سه گانه: کنایه از سه جام شراب است که ثلاثه غسله گویند (همان، ۱۳۸۵۸).

۸. سه گاه: نام نوایی از موسیقی است.

۹. سه لب: کسی که لب شگری باشد، آن که یکی از دو لب زیرین یا زیرین او شکافته مادرزاد باشد (همان، ۱۳۸۹).

۱۰. سه جمره: جمرات ثلاثه، سه بار سنگ‌اندازی در مناسک حج (همان).

۱۱. سه پایه هوایی: کنایه از ستاره نسر است (همان، ۱۳۸۵).

۱۲. سه جاده: ابعاد ثلاثه است که طول و عرض و عمق باشد به اصطلاح سالکان شریعت، طریقت و حقیقت می‌باشد (همان، ۱۳۸۵).

۱۳. سه قبله: عبارت از قبله یهود، نصارا و مسلمانان است (رامپوری، ۴۹۲: ۱۳۶۳).

۱۴. سه قرقف: سه کتاب است در مذهب ترسایان و در شرح خاقانی نوشته که نزد نصارا سه نوع شراب است چنان که در قرآن مجید هم سه شراب است ظهور شراب زنجبیل و شراب سلسبیل (همان).

۱۵. سه خواهر، سه دختر: کنایه از سه ستاره می‌باشد که در بنات النعش کنار هم هستند (همان، ۴۹۳).

۱۶. سه ارواح: یعنی روح طبیعی، حیوانی و نفسانی (سجادی، ۸۶۵ / ۲: ۱۳۷۴).

۱۷. سه دامن: نوعی از قبا با چاک‌های دراز، در شرح خاقانی نوشته، جامه حریر که سه چاک دارد از پیش و یک

از قفا، این جامه مخصوص رقاصان است (همان، ۸۶۷).

۱۸. سه سرهنگ: کنایه از آفتاب، مریخ و زحل است (همان، ۸۶۸).
۱۹. سه تار، سه تا: طنابوری را گویند که به آن سه تار بسته باشد (همان، ۸۶۶).
۲۰. سه خوان: جماعتی که به اب، ابن و روح‌القدس اعتقاد دارند (همان).
۲۱. سه نوبت زدن: سه وقت تهجد، اشراق و چاشت نقاره زدن در قدیم (همان، ۸۷۲).
۲۲. سه زخم: سه بار انداختن طاس نرد (همان، ۸۶۸).
۲۳. سه ایوان دماغ: کنایه از محل فکر، خیال و حفظ باشد (برهان، ۱۱۹۴/۲: ۱۳۶۲).
۲۴. سه ظلمت: کنایه از تاریکی صلب و تاریکی شکم و تاریکی زهدان مادر است (همان، ۱۱۹۶).
۲۵. سه علم: کنایه از علم الهی، طبیعی و ریاضی است (همان).
۲۶. سه پره، سه پرک، سه درک: خطی چند باشد که قمار بازان به جهت قمار بازی بر زمین می‌کشند (همان).
۲۷. سه ضربه زدن: اصطلاح کشتی‌گیران است یعنی آن که کسی را سه مرتبه بر زمین زنند (معین، ۱۹۶۲/۲: ۱۳۶۴).

۱۰. عدد سه در مثل‌های رایج

۱. سه را به نه زدن: سه ماه سال را برای آسایش نه ماه دیگر زراعت کردن (دهخدا، ۹۹۷/۲: ۱۳۷۶).
۲. سه گاه به دو جو: در معنی سر به سر، این به آن (همان، ۹۹۸).
۳. سه ماه می خور و نه ماه پارسا باش (همان).
۴. سه میش تو خورده میشه، داستان من گفته میشه (همان).
۵. تا سه نشود بازی نمی‌شود.

۱۱. جایگاه عدد سه در شاهنامه فردوسی

شاهنامه فردوسی تنها دفتر شعر فارسی نیست بلکه مهمترین سند ارزش و عظمت زبان فارسی و روشنترین گواه شکوه و رونق فرهنگ و تمدن دیرپای ایرانی است. شاهنامه فردوسی سرگذشت نامه ملتی است در طول قرون و نمودار فرهنگ و اندیشه و آرمان‌های کهن آنان است، و در حقیقت منبع مطمئنی است برای کسی که بخواهد با فرهنگ غنی ایرانی آشنا شود، در این کتاب نموده‌های فرهنگی و آداب و رسوم ایرانیان کهن به تصویر کشیده شده است، از جمله عدد سه که در نظر ایرانیان مقدس می‌باشد و در موضوعات مختلف رزم، بزم و موارد دیگر به کار برده است.

۱۱.۱. کاربرد عدد سه در ابیات رزمی (فردوسی، ۱۳۶۳)

۱. در فتح نامه منوچهر نزد فریدون
- سه جنگ گران کرده شد در سه روز چه در شب چه در هور گیتی فروز
(ج: ۹۶/۱، ب: ۹۸)
۲. در داستان رسیدن زال به مدد مهرباب
- بینداخت سه جای سه چوبه تیر بر آمد خسروشیدن داروگیسر
(ج: ۲۱/۱، ب: ۴۳۴)
۳. در خوان ششم جنگ رستم و ارژنگ دیو
- چکانی سه قطره به چشم اندرون شود تیرگی پاک با خون برون
(ج: ۲۶۸/۱، ب: ۵۸۵)

۴. در رزم کاووس با شاهان ماوران
همین راند تا در میان سه شهر
ز گیتی برین گونه جویند بهر
(ج: ۵/۲، ب: ۳۸)
۵. در داستان تاختن افراسیاب بر ایران زمین
به جنگ اندرون بود لشکر سه ماه
بدادند سرها ز بهر کلاه
(ج: ۱۱/۲، ب: ۲۰۲)
۶. در لشکر کشیدن سیاوش به سوی افراسیاب
سه جنگ گران کرده شد در سه روز
چهارم سیاوخش گیتی فروز
(ج: ۱۲۷/۲، ب: ۶۹۴)
۷. در نامه سیاوش به کاووس
سه روز اندر آن جنگ شد روزگار
و همچنین در :
ج: ۲، ص: ۱۲۹، ب: ۷۳۷، ص: ۲۳۲، ب: ۳۵۰، ص: ۲۶۳، ب: ۱۰۸۳، ص: ۳۲۱، ب: ۹۵۶.
ج: ۳، ص: ۲۳، ب: ۴۶۲، ص: ۲۹، ب: ۶۱۵، ص: ۲۳، ب: ۴۶۲، ص: ۳۹، ب: ۸۶۸، ص: ۳۹، ب: ۸۷۱.
ج: ۳، ص: ۱۱۶، ب: ۱۰۷۸، ص: ۱۳۸، ب: ۶۶، ص: ۱۳۹، ب: ۸۱، ص: ۲۲۱، ب: ۳۴۹، ص: ۲۷۲، ب: ۱۵۶۳.
ج: ۳، ص: ۲۷۹، ب: ۱۷۴۵، ص: ۲۹۷، ب: ۲۱۵۶، ص: ۳۰۳، ب: ۲۱۷۸.
ج: ۴، ص: ۸، ب: ۱۱۳، ص: ۸، ب: ۱۱۷.
ج: ۵، ص: ۷، ب: ۸۳، ص: ۲۶، ب: ۱۳۴، ص: ۳۸، ب: ۱۷۹.
۱۱. کاربرد عدد سه در بیت‌های بزمی در شاهنامه
۱. در داستان رسیدن زال به نزدیک سام:
یکی بزم سام آنگهی ساز کرد
سه روز اندرین بزم بگماز کرد
(ج: ۱۷۴/۱، ب: ۶۳۸)
۲. در باز آمدن گرسیوز نزد سیاوش:
سه روز اندرین گلشن زرنگار
بباشیم و از باده گیریم کار
(ج: ۱۸۹/۲، ب: ۲۱۳۰)
۳. در جنگ رستم با کافور آدمخوار:
از آن پس چنین گفت کاید سه روز
بباشیم شادان و گیتی فروز
(ج: ۱۴۵/۳، ب: ۲۲۱)
۴. در آمدن بیژن به خیمه منیژه:
سه روز و سه شب شاد بودند به هم
گرفته برو خواب و مستی ستم
(ج: ۱۵۷/۳، ب: ۲۵۶)
۵. در خوان دوم اسفندیار:
سه جام میش داد و پرسش گرفت
که اکنون چه گویی بینم شگفت
(ج: ۲۴۹/۴، ب: ۱۶۳۹)
۶. در خوان سوم اسفندیار:
سه جام از می لعل خامش بداد
چو اهرمن از جام می گشت شاد
(ج: ۲۵۰/۴، ب: ۱۶۶۴)

۷. در خوان پنجم اسفندیار:

سه جام از می خسروانی بداد بید گرگسار از می لعل شاد
(ج: ۲۵۵/۴، ب: ۱۷۷۵)

و همچنین در ابیات زیر آمده است:

ج: ۳، ص: ۱۷۹، ب: ۷۶۷، ص: ۱۸۰، ب: ۷۸۳.

ج: ۴، ص: ۵۷، ب: ۱۸۲۳، ص: ۳۲۲، ب: ۳۳۶۹.

۱۱.۳. جایگاه عدد سه در بیت‌های متفرقه در شاهنامه فردوسی

۱. در داستان خواب دیدن ضحاک فریدون را:

سه روز اندر آن کار شد روزگار سخن کس نیارست کرد آشکار
(ج: ۲۸/۱، ب: ۸۶)

۲. در داستان فریدون با وکیل ضحاک:

سه مردی سرافراز با لشکری فراز آمدند از دگر کشوری
(ج: ۱، ص: ۵۳، ب: ۴۲۶)

۳. در آمدن زال با نامه سام نزد منوچهر:

سه روز اندر آن کارشان شد درنگ برفتند با زیج هندی به جنگ
(ج: ۱، ص: ۱۶۵، ب: ۱۴۰۴)

۴. در داستان آمدن سام به دیدن رستم:

سه منزل برفتند و گشتند باز کشید آن سپهبد به راه دراز
(ج: ۱۸۲/۱، ب: ۱۸۱۲)

۵. در داستان گرفتن رستم رخس را:

سه سال است تا این به زین آمده است به چشم بزرگان گزین آمده است
(ج: ۲۲۵/۱، ب: ۲۱۱۰)

۶. در داستان هفت خوان رستم (خوان سوم)

سوم ره به خواب اندر آمد سرش ز بیر بیان داشت پوشش سرش
(ج: ۲۶۰/۱، ب: ۳۸۴)

۷. در رزم کاووس با شاهان ماوران

همی راند تا در میان سه شهر ز گیتی بر اینگونه جویند بهر
(ج: ۵/۲، ب: ۳۸)

۸. در داستان زادن سهراب از مادرش تهمینه

سه یاقوت رخشان و سه بدره زر کز ایران فرستاده بودش پدر
(ج: ۴۳/۲، ب: ۱۵۲)

۹. در داستان به زن دادن پیران دختر خود را به سیاوش

پس پسرده شهریار جوان سه اندر شبستان گرسیوزند
که از مام و از باب با پروزند
(ج: ۱۶۲/۲: ۱۳-۱۵۱۱)

همچنین در ابیات زیر این عدد به کار رفته است:

- ج: ۱، ص: ۳۷۴، ب: ۷۱۸، ص: ۱۶۷، ب: ۱۶۲۷، ص: ۱۸۵، ب: ۲۰۴۲، ص: ۱۹۳، ب: ۲۲۳۷.
 ج: ۲، ص: ۱۹۵، ب: ۲۲۷۲، ص: ۲۰۶، ب: ۲۵۴۹.
 ج: ۳، ص: ۳۶، ب: ۷۸۱، ص: ۳۷، ب: ۸۰۶، ص: ۱۸۵، ب: ۹۱۳، ص: ۲۰۷، ب: ۱۴.
 ج: ۴، ص: ۴۷، ب: ۱۵۸۱، ص: ۲۶۰، ب: ۱۸۳۹، ص: ۲۶۳، ب: ۱۹۷۲، ص: ۲۷۹، ب: ۲۳۵۷.
 ج: ۴، ص: ۲۸۲، ب: ۲۴۳۴، ص: ۳۲۴، ب: ۳۶۴۵.
 ج: ۵، ص: ۱۰، ب: ۱۵۸، ص: ۱۳، ب: ۶۳.

۱۲. نتیجه‌گیری

عددها مقوله‌ای است که انسان از دیرباز در طول زندگی از آن بهره برده و با گذشت زمان نسبت به آن‌ها باورهای خاصی پیدا کرده است.

نگارنده در این تحقیق به این نتیجه رسیده است که، بعضی از عددها از جمله عدد سه، برای مردم جایگاه خاصی دارد و در این مقاله با توجه به شواهد متعدد از فرهنگ‌ها و آیین‌های ملل مختلف به ویژه مردم ایران، نشان داده‌ایم که این عدد در زمره عددهای مقدس است و دیگران کمتر به آن اشاره کرده‌اند.

یادداشت‌ها

۱. در ایران باستان جشن نوروز شش روز بوده و در آیین و تقویم مذهبی زرتشتیان ۱۹ فروردین که جشن زمزمه برقرار می‌شده است مربوط به فرورهران در گذشتگان و فرور دینگان بوده است و غیر از این، به جز روز ششم که سالروز تولد زرتشت و برگزیدگی به پیامبری است، جشنی در فروردین نبوده است، شاید عدد سیزده از اروپا (فرانسه) سرایت کرده است، نزد شیعه و در اخبار منسوب به امام صادق (ع) روز سیزده در تمام ماه‌های سال قمری جزو روزهای نحس تلقی می‌شود و ظاهر آن است که این امر نیز اسباب مزید اصرار عامه در حفظ مراسم سیزده بدر بوده باشد، شاید هم به مناسبت این روز با تیر یا تیشتر، ایزد و ستاره باران، مردم برای نیایش و درخواست باران برای کشاورزی بیرون می‌رفتند و شاید هم چون می‌بایست کارهای کشاورزی را آغاز کنند، جشن نوید رفتن به مزرعه بوده است (اورشیدری، ۳۳۹: ۱۳۷۰).

مراسمی که در این روز انجام می‌شود معانی اساطیری دارد؛ شادی و خنده در این روز به معنی فرو ریختن اندیشه‌های تیره و پلیدی است و روبوسی و معانقه نماد آشتی و به معنی تزکیه است، خوردن غذا در دشت، نشانه قدیه گوسفند بریان است که در اوستا آمده است، به آب افکندن سبزه‌های تازه رسته، نشان دادن قدیه به ایزد آب یا « ناهید » است و گره زدن سبزه برای باز شدن بخت، تمثیلی از پیوند زن و مرد برای تسلسل نسل‌هاست، رسم مسابقات برد و باخت به ویژه اسب دوانی، یاد آور کشمکش ایزد باران و دیو خشکسالی است (یاحقی، ۲۶۵: ۱۳۷۵).

۲. هوم گیاهی است از تیره گنتاسه که جزو تیره‌های نزدیک به مخروطیان است، در تداول عامه این گیاه را ریش بز می‌گویند، آریاییان قدیم گیاه هوم را مقدس می‌دانستند (معین، ۲۲۷: ۱۳۶۴).

۳. سوری به معنی سرخ است و بدان جهت نام این جشن را چهارشنبه‌سوری گذاشته‌اند که در آن، آتش سرخ برافروخته می‌شود، ایرانیان را رسم بر این بوده است که بیش از نوروز و ده روز مانده به آخر سال (پنج روز پایان اسفند و پنج روز پنجه وه) را برای شادی فروهر در گذشتگان، مراسمی با نیایش و گستردن سفره و آتش افروزی بر پا می‌کردند، ناگزیر، روزی که برای استقبال از آغاز سال آتش می‌افروختند و شادی می‌کردند بیرون از این ده روز نبود. شک نیست که افتادن این آتش افروزی به شب آخرین چهارشنبه سال، مربوط به پس از اسلام است، زیرا در ایران باستان هفته نبوده و آن‌ها شنبه و آدینه، نداشتند، چون نزد اعراب روز چهارشنبه روز شوم و نحسی بوده است، بنابراین برای رفع نحس اقداماتی می‌کردند، چهارشنبه سوری جزو جشن‌های ایرانیان باستان نیست، عده‌ای معتقدند که این مراسم در سیصد و شصتمین روز سال یعنی آغاز جشن گاهنبار همسپتمدم (Hamaspattmadam) یعنی روز بیست

و ششم اسفندماه برگزار می‌شد و معتقد بودند که در این روز فروهرهای نیاکان به زمین فرود می‌آیند و این آتش برای راهنمایی آن‌هاست، در برخی از شهرهای ایران، مراسم چهارشنبه سوری، محتوای اسلامی یافته و در چهارشنبه آخر ماه صفر برگزار می‌شود و می‌گویند که مختار ثقفی می‌خواست، روز پنجشنبه آخر صفر، برای انتقام از قاتلین امام حسین (ع) قیام کند، اما، شروع قیام خود را یک روز جلو انداخت و برای این که شیعیان با خبر شوند و یا شیعه و سنی از هم جدا شوند، گفت که یارانش بر بامها آتش بیفروزند (باحقی، ۱۷۱: ۱۳۷۵، اورشیدی، ۳۳۳: ۱۳۷۰).

۴. زروان: چند بار زروان، در ردیف دیگر ایزدان نام برده شده و از آن فرشته زمانه بی‌کرانه اراده شده، اغلب زروان با صفات «کرانه» (بی‌کرانه) و «درغوخو ذاته» آمده که در مینو خرد پازند «زروان درنگ خدای» و در رساله پارسی، علمای اسلامی به «درنگ خدای» تعبیر شده است... در زاد سپرم فصل ۱ بند ۲۴ زروان صراحت آفریده اهورامزدا محسوب شده در جمله‌هایی از اوستا که از زروان یاد شده، او را فقط در ردیف ایزدان دیگر آورده در خور نیایش خوانده‌اند... (دهخدا، ۱۲۸۴۶/۹: ۱۳۷۷).

جهت اطلاع بیشتر درباره «زروان» به کتاب ایران در زمان ساسانیان صص: ۲۲۰ الی ۲۲۶ مراجعه شود.

۵. صابی، کلمه کلدانی است به معنی شوینده، و صابئین چون همیشه در کنار نهرها و آب‌ها جای دارند و خود را بسیار می‌شویند، بدین نام خوانده می‌شوند و در خوزستان هنوز مردمی بر ساحل کنار کارون هستند که آنان را مغتسله می‌نامند و آن ترجمه لفظ صابئی است (دهخدا، ۱۴۷۳۸: ۱۳۷۷).

۶. رشامه، پاک کردن بدن برای برپا داشتن براخه (نماز) است (رضایی، ۴۵۱: ۱۳۶۸).

منابع

- اردلان جوان، سیدعلی. (۱۳۶۷). تجلی شاعرانه اساطیر و روایات تاریخی و مذهبی در اشعار خاقانی، مشهد: آستان قدس رضوی.
- افشار، ایرج. (۱۳۵۷). مقالات تقی زاده، جلد دهم، گاه شماری در ایران قدیم، تهران: شکوفان.
- اورشیدی، جهانگیر. (۱۳۷۰). دانشنامه مزدیسنا، تهران: نشر مرکز.
- برهان، محمد حسین بن خلف تبریزی. (۱۳۶۲). برهان قاطع، تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر.
- برومند سعیدجواد. (۱۳۶۷). نوروز جمشیدی، چیستا، دوره پنجم، ۸-۹، ۶۶۰-۶۸۳.
- بهار، مهرداد. (۱۳۶۲). پژوهشی در اساطیر ایران، تهران: انتشارات توس.
- بهزادی، رقیه. (۱۳۷۹). مفهوم برخی از عددها در اساطیر و نزد اقوام کهن، کتاب ماه-هنر، ۲۷-۲۸، ۲۶-۲۸.
- بورکهارت، تیتوس. (۱۳۶۹). هنر مقدس (اصول و روشها)، ترجمه جلال ستاری، تهران: انتشارات سروش.
- چاوشی اکبری، رحیم. (۱۳۷۶). هفت رمز فروهر. به نقل از کتاب هفت در قلمرو تمدن و فرهنگ بشری تألیف زهره والی، انتشارات اساتید. (۱۳۷۹).
- دهخدا، علی‌اکبر. (۱۳۷۶). امثال و حکم، جلد دوم، تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر.
- _____ (۱۳۷۷). لغت نامه دهخدا، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- دولتخواه، جلیل. (۱۳۷۵). اوستا، تهران: انتشارات مروارید، چاپ سوم، ج: ۲.
- رامپوری، غیاث‌الدین محمدبن جلال‌الدین بن شرف‌الدین. (۱۳۶۳). غیاث اللغات، به کوشش منصور ثروت، تهران: امیرکبیر.

- رضایی، عبدالعظیم. (۱۳۶۸). اصل و نسب و دین‌های ایران باستان، تهران: طلوع آزادی.
- زمانی، کریم. (۱۳۷۹). شرح مثنوی، تهران: اطلاعات، ج: ۳.
- زهر، آر. سی. (۱۳۷۵). زروان (معمای زرتشتی‌گری)، ترجمه تیمور قادری. به نقل از کتاب هفت در قلمرو تمدن و فرهنگ بشری تألیف زهره والی، اساتید. (۱۳۷۹).
- سجادی، سید ضیاءالدین. (۱۳۷۴). فرهنگ لغات و تعبیرات با شرح اعلام و مشکلات دیوان خاقانی، تهران: زوار.
- سجادی، سیدجعفر. (۱۳۷۹). فرهنگ معارف اسلامی، تهران: کومش.
- عنصری، جابر. (۱۳۷۶). دردانه‌های خلوت اهورایی، چیستا، دوره پانزدهم، ۱۲۸، ۷۵-۸۴.
- فردوسی، ابوالقاسم. (۱۳۶۳). شاهنامه، تصحیح ژول مول، ترجمه جهانگیر افکاری، تهران: اپ سوم.
- کاسیرر، ارنست. (۱۳۶۰). فلسفه و فرهنگ، ترجمه بزرگ نادر زاد، تهران: مرکز مطالعه فرهنگها، چاپ نخست.
- کریستن سن، آرتور. (۱۳۷۷). ایران در زمان ساسانیان، ترجمه رشید یاسمی، تهران: دنیای کتاب.
- گیرشمن، رمان. (۱۳۷۰). ایران از آغاز تا اسلام، ترجمه محمد معین، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ هشتم.
- معین، محمد. (۱۳۶۴). فرهنگ فارسی، تهران: امیرکبیر.
- نشاط، سید محمود. (۱۳۶۸). شمار و مقدار در زبان فارسی، تهران: امیرکبیر.
- هینلز، جان. (۱۳۷۵). شناخت اساطیر ایران، ترجمه ژاله آموزگار، احمد تفضلی، تهران: نشر آویشن، چشمه ایران.
- یاحقی، محمدجعفر. (۱۳۷۵). فرهنگ اساطیر و اشارات داستانی در ادبیات فارسی، تهران: سروش، چاپ دوم.